

تقابل و تعامل سلطنت و حکومت از دیدگاه محقق سبزواری و شاهعباس اول صفوی

معصومه قره داغی^۱

رئوف موسوی^۲

چکیده

یکی از مهم ترین دوره های تاریخی تمدن ایران، حکومت صفویه (۱۵۰۱ تا ۱۷۳۶ م) است. دوره صفویه برخلاف برخی تلاش ها، سرآغاز گفتمان های جدیدی در تاریخ ایران است. سلاطین صفوی با پشتوانه تیغ های برنده نیروهای خود به قدرت رسیدند، ولی در ادامه در پویایی عقلانی برای توجیه دو نیاز بنیادین آنان یعنی عنصر مشروعیت و قانون در ساختار اساسی دولت تن به اندیشه های سیاسی علمای طراز اول شیعه در دوره خود دادند. سلسله صفویه در زمان شاه عباس یکم شاهد ساخت اندیشه سیاسی جدیدی است که با استفاده از اندیشمندان عصر خود بر اساس الگوی کهن ایرانی انجام و تا پایان پادشاهی وی تقریباً پایدار ماند. در این پژوهش عوامل، نتایج و اندیشه اصلاح گرایانه محقق سبزواری بررسی می گردد و با استفاده از روش توصیفی، تحلیلی و با اتکا بر منابع اصلی، تأثیر اندیشه ایشان در حکومت داری شاه عباس صفوی بررسی می گردد.

کلید واژگان: سلطنت، مشروعیت، اندیشه سیاسی محقق سبزواری، سلاطین صفوی

^۱ استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد شبستر (نویسنده مسئول)

Masomehgaradagi90@gmail.com

^۲ دانشجوی دکتری تاریخ، واحد شبستر، دانشگاه آزاد اسلامی، شبستر، ایران

مقدمه

صفویان به‌عنوان یک خاندان اصیل ایرانی علاوه بر این که مانند خاندان بابکان نقش وحدت دینی را به‌خوبی فهمیده بودند، روح ایرانی^۱ را نیز به‌خوبی درک کرده و دریافته بودند که تشیع چه نفوذی در اعماق و قلوب ایرانی‌ها دارد. از این رو از مذهب به‌عنوان منبع کسب مشروعیت استفاده می‌کردند. صفویان از طریق امام هفتم نسب خود را به امام حسین (ع) می‌رساندند. این نسب به‌طور هوشمندانه در بین مردم تبلیغ می‌شد و باعث مشروعیت می‌شد، زیرا امام حسین (ع) با دختر آخرین پادشاه ساسانی ازدواج کرده بود، به‌این ترتیب علاوه بر ریشه مذهب اعتبار آن‌ها با فره ایزدی و شاهان باستانی گره می‌خورد.

صفویان تغییرات بنیادینی در جامعه ایران ایجاد کرده و بر تحولات جهانی نیز تأثیر مهمی بر جای گذاشتند. با گسترش مذهب شیعه، جامعه ایرانی علی‌رغم همه تفاوت‌های نژادی، فرهنگی و زبانی؛ از نظر مذهبی به یک جامعه تقریباً یکدست مبدل شده و مذهب به یکی از عوامل اساسی استقلال و وحدت ملی ایران تبدیل شد. رسوخ آرمان‌ها و عناصر شیعی در روح و جان مردم، جامعه‌ای مذهبی به وجود آورد که قدرت‌های حاکم را ناچار می‌ساخت عنصر مذهب را در اقدامات خود در نظر بگیرند، به‌گونه‌ای که چشم‌پوشی از این عنصر معمولاً به شکست سیاست‌ها می‌انجامید.

در این میان سلطنت چهل و دو ساله شاه‌عباس اول، یک دوره استثنایی در تمام تاریخ جدید ایران به شمار می‌رود. در این دوره ما شاهد اوج و اعتلای سلسله صفوی هستیم. شاه‌عباس به دین اسلام و مذهب شیعه دوازده‌امامی؛ اعتقاد راسخ داشت و به خدا و پیغمبر (ص) و دوازده امام و احکام قرآن کریم بر اساس منابع، ایمان (اعتقاد به تسامح دینی) داشت. ولی برخلاف شاه اسماعیل و شاه‌طهماسب که نسبت به مذهب تشیع، تعصب شدید داشتند، با پیروان سایر مذاهب در کمال محبت رفتار می‌کرد زیرا می‌دانست که تعصب مذهبی خشک و کناره‌گیری از ملت‌های متمدن اروپایی که پیرو

^۱ Iranian soul

آئین مسیح هستند به ضرر کشور تمام می‌شود. به همین دلیل درحالی که نسبت به مذهب شیعه و ترویج و تقویت آن علاقه کافی داشت از توجه و اظهار لطف نسبت به دیگر ادیان خودداری نمی‌کرد.

تاریخ صفویه دوران طولانی و بااهمیتی در تاریخ ایران محسوب می‌شود. دوره صفویه همانند بسیاری از ادوار تاریخی قبل از آن، شاهد تکاپوی اندیشه سیاسی در روند حوادث و رویدادهای سیاسی زمان خود بوده است. در این دوره پادشاهان صفوی چه به لحاظ نسبی و چه به لحاظ سببی از همان ابتدای تأسیس سلسله صفوی توانستند در حد نفوذ و دخالت خود در امور سیاسی، بر تصمیم‌گیری‌های سیاسی و کشوری تأثیرگذار باشند. در این دوره، شاه‌عباس یکم به لحاظ اقداماتش در عرصه‌های مختلف از جمله رشد اندیشه سیاسی و تسامح دینی از اهمیت خاصی برخوردار است. تعامل حداکثری نهاد دینی شیعی و نهاد حکومت در دوره شاه‌عباس اول، باعث بالندگی نهاد دینی شد و علمای شیعه علی‌الخصوص محقق سبزواری نیز فرصت آموزش، تدوین و ترویج آموزه‌های این مکتب را یافتند و در ساختار سیاسی دولت هم تأثیرگذار بودند. مقاله با استفاده از روش توصیفی، تحلیلی و با اتکا بر منابع اصلی به این سؤال پاسخ خواهد داد که تأثیر اندیشه محقق سبزواری در حکومت‌داری شاه‌عباس صفوی چه بوده است؟ فرضیه مقاله این است که اقتدار و تحکیم حکومت شاه‌عباس اول صفوی با روند شکل‌گیری اندیشه سیاسی محقق سبزواری رابطه معنایی برقرار کرده و اندیشه سیاسی محمدباقر سبزواری مشروعیت حکومت شاه‌عباس اول را تحکیم بخشیده است.

سلطنت شاه‌عباس اول (۹۹۶ - ۱۰۳۸ ق.ه / ۱۵۸۸ - ۱۶۲۹ میلادی)

پنجمین پادشاه صفویان که بیش از چهل سال در ایران حکومت کرده، شاه‌عباس اول معروف به شاه‌عباس کبیر، نامدارترین پادشاه دوره صفویان است. او فرزند شاه محمد

خدابنده و پنجمین شاه از دودمان صفوی است که از سال ۹۹۶ هـ ق تا زمان مرگش، به مدت بیش از ۴۲ سال با اقتدار بر ایران شهریاری نمود (تبریزی، ریحانه‌الادب، ج ۵، ۲۴۲).

چگونگی به سلطنت رسیدن شاه‌عباس اول و شخصیت خاص وی، در اجرای سیاست‌های آینده حکومت صفوی تأثیر بسیار زیادی داشت. محور تمامی برنامه‌ها و نقشه‌های وی در راستای استقلال تام سلطنت در مقابل تمامی گروه‌های جامعه استوار بود. حضور و فعالیت علمای شیعه در جامعه را نیز به‌عنوان بخشی از این طرح و نقشه بسیار مفید می‌توان ارزیابی کرد. وی با بررسی اوضاع کشور و نفوذ گروه‌هایی از جمله صوفیان؛ به مذهب تشیع توجه ویژه‌ای کرد. در این زمان تصوف بازدهی لازم و نفوذش را از دست داده بود و به‌عنوان وجه مشخصی برای حکومت صفوی دیگر قابل‌اعتنا نبود. به‌گونه‌ای که شاه اسماعیل اول نیز در بدو امر تشکیل حکومت و اداره کشور به این قضیه واقف گشته بود. به همین دلیل شاه‌عباس اول با حمایت از علمای شیعه در جهت رشد و تقویت آن‌ها در مقابل دیگر گروه‌های مذهبی جامعه تلاش فراوانی کرد و در کنار اعتباربخشی به اقتدار سلطنت، نهاد دین نیز رشد روزافزونی را تجربه کرد. به‌هرحال با اقدامات لازم، مذهب شیعه جلوه دیگری به خود گرفت و علما در بازی‌های سیاسی این دوره و به‌خصوص جانشینان وی نقش پررنگ‌تر و بارزتری را ایفا کردند (آقاجری، ۱۳۷۸: ۶۴).

علايق دینی و مذهبی شاه‌عباس، به لحاظ شخصی، استوار و محکم به نظر آمده و در این زمینه، از ابتدا تا به انتها، هیچ‌گونه گزارشی که نشان از تسامح وی نسبت به آیین اسلام و مذهب امامیه باشد، در رفتار و گفتار وی گزارش نشده است. (جعفریان، ۱۳۷۹: ۲۹۶).

به‌طور کلی از دیدگاه دینی دوران شاه‌عباس اول تفاوت‌های محسوس و آشکاری با دوره‌های قبل از خود داشت. این دوره را می‌توان وارث تجربه دینی دوره اول حکومت صفوی عنوان کرد. در نتیجه، پیشبرد و گسترش این نهاد اصلاحات اساسی را در این زمینه طلب می‌نمود. در این دوره مسائل جدیدی با اندیشه‌های شیعی پیوند خورد؛ بنابراین در دوره دوم حکومت صفوی (شاه‌عباس اول به بعد) با حمایت‌های فراوان حکومت، در

حوزه‌های علمیه داخل کشور، نسل جدیدی از علما پرورش یافتند که پس از مدتی به استقلال روحانیت ایران از حوزه‌های خارج از کشور منجر شده و هم‌چنین به تقابل با دولت صفوی انجامید (صفت گل، ۱۳۸۱: ۳۹).

شاه‌عباس اول و تقویت مذهب تشیع و چگونگی تعامل با علمای شیعه

فعالیت‌های شاه‌عباس اول در این زمینه را می‌توان به سه مورد تقسیم کرد:

- ۱- انجام دستورات و احکام فردی دین در زمینه مذهب
 - ۲- اقدامات مذهبی عامه‌پسند وی و تأثیر آن‌ها در باورپذیری و رویکرد اعتقادی مردم به سمت مذهب تشیع
 - ۳- روابط وی با علمای مذهب تشیع (پارسادوست، ۱۳۸۸: ۴۳).
- شاه‌عباس اول در اجرای احکام فردی دین تعصب خاصی داشت. وی هم چون افراد کاملاً معتقد و مذهبی به‌هیچ‌عنوان خواندن نمازهای یومیه خویش را فراموش نمی‌کرد و در اجرای این فرضیه در همه‌جا سعی فراوان می‌نمود. شاه این مسئله را حتی در سفرهای جنگی خویش رعایت و پیش از شروع جنگ به نمازخواندن می‌پرداخت (آقاجری، ۱۳۷۸: ۶۵). وی با وجود اینکه علاقه‌ای به روزه گرفتن نداشت در نماز عید فطر حاضر می‌شد و زکات فطریه اش را پرداخت می‌کرده است (افوشته ای ۱۳۷۳: ۸۷).
- مسئله دیگری که اعتقاد وی را نشان می‌دهد، توبه و کمک خواستن وی در مواقع سختی و بحرانی از حضرت محمد (ص) و ائمه معصومین (ع) بوده است. در مواردی نیز به استخاره کردن وی، اشاره شده است. ظاهراً شاه پیش از انجام هر عملی به قرآن استخاره می‌کرده است. حتی برای تعیین جانشین پس از خود نیز به استخاره روی آورده است (ترکمان، ۱۳۸۲: ۸۶).

در ظاهر، این موارد تنها در بعد دین‌داری شخصی شاه‌عباس اول جای می‌گیرد؛ اما با نگاه دقیق‌تر می‌توان نتیجه و تأثیر آن‌ها را در مسائل دیگری نیز پیگیری کرد. این

موضوعات به‌نوبه خود در ترویج فرهنگ دینی و کسب حمایت شاه از مذهب نقش به‌سزایی داشت. علاقه شدید وی به اجرای احکام دین و توسل جستن وی به ائمه معصومین بر این نظر را صحه می‌گذارد. اما یکی از اقدامات بی‌سابقه شاه‌عباس اول انتخاب و برگزیدن لقب کلب آستان علی (سگ در خانه علی) و بنده شاه ولایت در کنار القاب گذشته برای خویش بود (فلسفی، ۱۳۹۱: ۱۲۹).

یکی از اقدامات مهم شاه‌عباس اول تأمین هزینه‌های بازسازی و رونق مقابر امامان معصوم و امام‌زاده‌های کشور بوده است. «... نواب کلب آستان علی خنجرهای مرصع و زین‌های مرصع خود را شکست و لعل و یاقوت و فیروزه و غیره از جواهر محبوب میرزا محمد وزیر اصفهان را با طلای لازمه آن‌که در صندوق حضرت امام‌الجن و الانس علی بن ابی‌طالب (ص) صرف نمایند» (تاج‌بخش، ۱۳۴۰: ۴۵).

اقدام به این امر در ترویج فرهنگ اهدای نذورات به اماکن مقدسه نقش به‌سزایی داشت و در کنار شاه بسیاری از اشخاص دولتی و مردم عادی به تقلید و یا از سر اعتقاد دست به این کار می‌زدند. همین عامل در ترغیب اشخاص به سمت زیارت اماکن مقدسه شیعی و خانقاه‌های کم‌فروغ صوفیان^۱ نقش به‌سزایی داشت.

برگزاری مراسم مذهبی چه اعیاد و چه سوگواری در دوره صفویه ابتکار جدیدی محسوب نمی‌شد. برپایی رسمی این‌گونه مجالس به زمان دولت شیعی مذهب آل‌بویه بازمی‌گردد ولی حکومت صفویه به احیای آن‌ها توجه خاص مبذول داشت؛ اما هدف از ارائه این بحث تنها بیان برگزاری آن‌ها در آن دوره نیست. بلکه نتایج حاصل از این‌گونه مراسم مورد توجه قرار می‌گیرد. البته ناگفته نماند که دولت در برگزاری تمامی این مراسم نقش اصلی را بر عهده نداشت؛ ولی حمایت حکومت صفوی از این‌گونه مجالس در توسعه و ترویج آن‌ها نقش غیرقابل‌انکاری داشته است (دانشگاه کمبریج، ۱۳۸۰: ۹۴).

^۱ Sufi monasteries

شاه‌عباس اول باعلاقه خاصی به عزاداری دهه اول محرم و شهادت حضرت علی (ع) می‌پرداخته است. برگزاری این مراسم آن‌چنان برای شاه صفوی اهمیت داشته؛ که حتی در لشکرکشی‌های خویش به مناطق مختلف کشور به عزاداری و برپایی این مراسم می‌پرداخت (ولایتی، ۱۳۷۴: ۹۷). برگزاری این مجالس بدون شک با استقبال فراوان علمای شیعه مواجه شده است. اجرای چنین مراسمی معمولاً با روضه‌خوانی در مورد مصیبت‌های امامان و زندگی مشقت‌بار آن‌ها همراه بوده است. در این داستان‌ها به رشادت‌ها و دل‌آوری‌های این افراد نیز اشاره می‌شده است.

یکی از حرکت‌های مشهور مذهبی شاه‌عباس اول در قالب زیارت امام رضا (ع) با پای پیاده گنجانده می‌شود. شاه بر اساس نذر و پیمانی که باخدای خویش بسته بود؛ پس از دریافت خبر پیروزی در خراسان به عزم زیارت امام هشتم (ع) راهی مشهد شد و به احترام این معصوم (ع) مسیر را پای پیاده پیمود (پارسا دوست، ۱۳۸۸: ۴۶).

هدف شاه‌عباس اول از تقویت علمای شیعه کسب استقلال سلطنت در مقابل دیگر گروه‌های قدرتمند در حکومت بود. به همین جهت از همان آغاز سلطنت، وی تعاملی خوب و قابل‌اعتنا با فقهای مذهب تشیع را شروع نمود و از رشد جایگاه آن‌ها در جهت اهداف خویش بهره‌برداری فراوانی کرد. بر این اساس نوع ارتباط و تعامل وی با آن گروه را، سیاست‌ها و اهداف شاه صفوی تعیین می‌کرد (حسینی استرآبادی، از شیخ صفی تا شاه صفی، ۱۲۹).

علیرغم روابط خوب شاه‌عباس اول با علما و فقهای شیعه، به دلیل سیاست مطلقه^۱ وی در امر حکومت، تمامی نهاد روحانیت باید در جهت اهداف وی ایفای نقش می‌کرد. نصرالله فلسفی ضمن ذکر ترتیب جایگاه افراد در مجالس شاه‌عباس اول می‌نویسد:

«... در جانب چپ تخت شاهی نیز نخست به ترتیب ملاباشی، صدر عامه و شیخ‌الاسلام اصفهان قرار می‌گرفتند و شاه‌عباس مخصوصاً علمای دین و روحانیان بزرگ

^۱ Absolute policy

را در جانب چپ تخت خود جای‌داده بود تا نشان دهد که در کار مملکت‌داری مردان سیاسی از پیشوایان دینی^۱ برترند...» (گودرزی، تکوین هویت ملی در ایران، ۸۸). درباره حوزه قدرت علما و فقها نیز چندان دست‌ودلباز نبوده و میدان‌چندانی به آنان نمی‌داد (جعفریان، ۱۳۷۹: ۳۰۵). تا پایان این دوره، این گروه تحت نظارت مستقیم شاه به فعالیت‌های مستمر خویش می‌پرداختند؛ اما از حمایت‌های فراوان وی نیز برخوردار بوده و چه در امر حکومتی و چه در حیطه فقهی تا حدی که سیاست‌های برنامه‌ریزی‌شده شاه اجازه می‌داد، رشد فراوانی را تجربه کردند.

شاه‌عباس اول علمای شیعه را به‌عنوان کارگزاران خویش در حکومت خود به‌حساب می‌آورد. البته این نکته را نباید فراموش کرد که علما و سادات در این دوره برحسب دیدگاه‌های آنان به دو گروه موافق و مخالف تقسیم می‌شدند. اگر در حیطه موافقان سیاست‌های شاه صفوی بودند؛ به مقام و جایگاه بالایی دست پیدا می‌کردند؛ اما اگر به مخالفت با او برمی‌خاستند، شاه‌عباس اول هیچ‌واهمه‌ای از برخورد و سرکوب آن‌ها نداشت (فوران، ۱۳۸۶: ۱۱۱). بنابراین می‌توان گفت دوره شاه‌عباس اول، از لحاظ رونق مذهب تشیع بسیار عالی بوده و عملکرد شاه‌عباس اول در راستای تقویت آن قرار می‌گرفت. ولی در کل باید بیان شود که این رویکرد برای اجرای کلی نقشه‌ها و اهداف حکومت صفوی بود.

زندگی اجتماعی و سیاسی از دیدگاه محقق سبزواری

از نظر سبزواری منشأ تشکیل اجتماع، نیازهای معیشتی و به تعبیر امروزی ضرورت اقتصادی است؛ زیرا انسان در زندگانی به غذا، لباس و مسکن محتاج است و روشن است که یک فرد نمی‌تواند به‌تنهایی و به‌دوراز اجتماع و بدون کمک دیگران این نیازها را برآورده سازد؛ بنابراین «... جمعی کثیر باید که هر یک معاونت یکدیگر نمایند...»؛ و هر

^۱ Religious leaders

یک به شغلی مشغول باشند. از همین روست که خداوند متعال آدمیان را با استعدادها، انگیزه‌ها و علایق مختلف آفریده، چنان‌که از نظر توانگری و نیازمندی نیز افراد را متفاوت خلق کرده است، چه اگر همه توانگر بودند، به یکدیگر خدمت نمی‌کردند.

سبزواری برای اثبات مطالب فوق به این آیه استناد می‌کند
 نَحْنُ قَسَمًا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ رَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ
 بَعْضًا سَخِرِيًّا (قمشه‌ای، قرآن، ۴۶۱).

خداوند متعال می‌فرماید که ما قسمت کردیم در میانه مردم معیشت‌های ایشان را (روزی‌ها) و آنچه دارند در حیات دنیا؛ و بعضی را بلند کردیم بر بعضی به درجه‌ها (به‌حسب مال، قدرت، عقل، شوکت، اراده و همت) تا آن‌که بعضی، بعضی را مسخر خود سازند (و به خدمت، بندگی و حارس جهت خود موسوم سازند).

نکته‌ای که سبزواری بر آن تأکید کرده، همان چیزی است که در بیان علامه طباطبایی اصل استخدام نام‌گرفته است. به این معنا که انسان در ابتدای کار می‌کوشد تا از انسان‌های هم‌جوار خود همانند حیوانات، نباتات و جمادات بهره‌بردارد. این تسخیر یک‌جانبه، استخدام و استثمار است، لیکن چون انسان توقع متقابل هم‌نوع خود را درمی‌یابد، ناگزیر به خدمت متقابل تن می‌دهد. این تمکین دوجانبه درنهایت به‌صورت قانون اجتماعی سازمان می‌یابد (طباطبایی، ۱۳۸۰: ۸۷).

سبزواری در این باره می‌گوید:

«... چون بعضی از مردم به تدبیر صائب ممتاز باشند و بعضی به زیادتی قوت و بعضی به شوکت تمام و بعضی به زیادتی کفایت و اموال و توانگری و جمعی از عقل و تمیز و کیاست خالی و به‌منزله‌ی آلات و خادمان و کارکنان جهت طوایف سابقه و جمعی فقیر و پریشان، همه کارها بر وجهی که مشاهده می‌شود منتظم می‌شود و از قیام هر یک به مهم و کاری که مناسب و لایق اوست قوام عالم و نظام معیشت بنی‌آدم به فعل آید...»

چون انگیزه‌های مردم مختلف است و «... همه‌ی نفوس طلب منفعت خود می‌کنند و هر نفسی از پی غرضی می‌رود، بعضی را میل به شهوات بود و بعضی را میل به مال و بعضی را میل به غلبه و استقلال. اگر ایشان را به طبایع ایشان گذارند، هر یک آنچه دیگری دارد خواهد و کار به خصومت و نزاع انجامد و به اضرار و اهلاک یکدیگر مشغول شوند و هر یک از شغلی که در معاونت یکدیگر دارند باز مانند و فایده‌ی جمعیت و معاونت باطل شود؛ پس بالضرورة نوعی از تدبیر باید که هر یک را به حدی که مستحق آن باشد قانع گرداند و به حق خویش برساند و دست هر یک از تعدی و تصرف در حقوق دیگران کوتاه گرداند و به شغلی که تعلق به او دارد مشغول گرداند...» (به نقل از طباطبایی، ۱۳۸۰: ۸۷).

از دقت در مطلب بالا چنین برمی‌آید که تشکیل دولت، در نظر سبزواری، یک ضرورت است. چراکه در غیر این صورت زندگی اجتماعی نیز ناممکن خواهد بود.

حاکم یا فرمانروا در روضه الانوار عباسی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. در ادبیات فارسی، همواره فن حکومت مورد توجه بوده است تا فرمانروا بتواند بر رعایای خویش تأثیر گذارد. «هدف از این تأثیر آن است که جامعه‌ای که در فرمان امیر است همبسته گردد و مردمی که تشکیل آن جامعه را می‌دهند به سمت خیر و صلاح هرچه همگانی‌تر رهنمون گردند. چنین نفوذی مقتضی وارد آوردن فشار عادلانه نیز است، عدلی که منبعث از شرع و عقل باشد» (محمدی فشارکی و صالحیان، ۱۳۹۲: ۲۰۷).

در اندیشه سیاسی سبزواری، دسته‌بندی حاکم و زیردست مشهود بوده و حاکم موظف به اداره کشور در چارچوب شرع و عدل است. از سوی دیگر مردم قرار دارند که آن‌ها را در چهار طیف و طبقه متفاوت دسته‌بندی می‌کند:

۱- اهل قلم: کسانی که به کمک فکر خویش به ملت و مملکت و دین قوام می‌بخشند، این دسته شامل علما، حکما، فقها، وزراء، قضات، نویسندگان و کاتبان، مهندسان، پزشکان، منجمان و شعرا می‌شوند.

۲- اهل شمشیر: دلیران، مجاهدان، حافظان قلعه‌ها و مرزها و سرداران لشکرها و نگهبانان دولت که نظام امنیت و آسایش خلق بدون آن‌ها صورت نمی‌گیرد. اینان تأمین‌کننده امنیت و آسایش کشورند.

۳- ارباب معاملات: مانند تجار که فواید و منافع هر مملکت را تأمین می‌کنند و رشد می‌دهند. صاحبان حرفه‌ها و ارباب صناعات، جمع‌کنندگان مالیات و حساب‌رسان دولتی و... را شامل می‌شود. وظیفه اینان تأمین ضروریات و حوائج مردم است.

۴- اهل زراعت: شامل کشاورزان و دهقانان که غذای کشور را تأمین می‌کنند (سبزواری، ۱۳۸۰: ۳۷).

به نظر می‌رسد آنچه در این تقسیم‌بندی، برای سبزواری، اهمیت دارد، وظیفه‌دادگری حکومت در قبال گروه‌های چهارگانه فوق است که بر اساس آن، حکومت موظف است به منظور حفظ تعادل در اجتماع، هر یک از این گروه‌ها را، در مرتبه و جایگاه خود نگه دارد. بنابراین، اعتقاد دارد که اگر حکومت این وظیفه را انجام ندهد و در نتیجه، تعادل و توازن موجود میان این گروه‌ها از بین برود و طبقه‌ای بر طبقات دیگر غلبه پیدا کند، این عدم تعادل موجبات فساد، اختلال و زوال را در نظام اجتماعی فراهم می‌آورد (فیضی سخا، ۱۳۹۸: ۱۱۱).

از نظر سبزواری مردم دارای حقوقی هستند که دولت‌ها موظف به رعایت و انجام آن‌ها می‌باشند: ۱. رعایت عدالت؛ ۲. مهربانی نسبت به رعیت؛ ۳. عدم تعجیل در عقوبت؛ ۴. احترام به بزرگان؛ ۵. رحم بر مردمان ضعیف؛ ۶. رفع فقر و محرومیت؛ ۷. در خود بر روی ایشان نبندد؛ ۸. ایشان را یک‌دفعه به حرب نفرستد؛ ۹. دست ظالمان را از رعایا و زیردستان کوتاه کردن؛ ۱۰. تعظیم و توقیر علما؛ ۱۱. عفو و گذشت؛ ۱۲. سخاوت نسبت به خلق. برخی از استنادات سبزواری در مورد اثبات این حقوق برای مردم، احادیث منقول از معصومین (ع) است (لک زایی، ۱۳۹۶).

سبزواری نقش امور اقتصادی در یک دولت را بر اساس تدبیر پادشاه در تنظیم خزاین و اموال خلاصه می‌کند و می‌نویسد: «تدبیر خزاین و اموال رکنی عظیم از ارکان پادشاهی است و در این باب از قانون عقل و شرع تجاوز کردن موجب فساد امر دنیا و آخرت است» (لک زایی و باقریان، ۱۳۸۷: ۱۹). محقق سبزواری در بخشی از روضه الانوار عباسی که به روستائیان پرداخته است چند مورد را از حاکمان و شاه درزمینه رفاه حال روستائیان تقاضا کرده است. بخش وسیعی از این درخواست‌ها به نگرفتن زیاد مالیات مرسوم، استفاده از محصلان و ناظران کم طمع درگرفتن مالیات و همچنین کمک به کشاورزان در سال‌هایی که مالیات زیاد گرفته می‌شود و یا کشاورزی با آسیب‌های مختلفی مواجه می‌شود، مربوط است. می‌توان این‌گونه استنباط کرد وضعیت مالیات‌ها و نحوه برخورد مؤدیان مالیاتی به صورتی سخت‌گیرانه برای روستائیان قرار داشته و درخواست این عالم در قالب پند، بر خواسته از وضعیت واقعی جامعه روستایی زمان صفویه بوده است (جعفری و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۶۶).

الگوی حکومت از نظر محقق سبزواری

در میان قرون اسلامی قرن یازدهم هجری درخشندگی خاصی دارد. عالمان بزرگی چون میرداماد، شیخ بهایی، میرفندرسکی، صدرالمتالهین، محمدتقی مجلسی، فیض کاشانی، محقق سبزواری، محمدباقر مجلسی، محقق خوانساری و سیاست‌مدارانی چون شاه‌عباس اول، خلیفه سلطان، شیخ علی‌خان زنگنه و ... در این قرن می‌زیسته‌اند. آثار علمی و خدمات ارزشمندی که در این دوره به عالم اسلام عرضه شد بر هیچ دانشور منصفی پوشیده نیست. بسیاری از عالمان این قرن، در جوامع اسلامی و به‌ویژه شیعه شناخته شده‌اند و همواره از ثمرات علمی آنان بهره برده شده است، اما برخی از آنان چنان‌که باید به مردم و حتی به جوامع علمی معرفی نشده‌اند. محقق سبزواری از دانشمندانی است در زمان سلطنت شاه عباس یکم بعد از فوت پدرش پس از مدتی سرآمد علمای عصر خود شد

به گونه‌ای که به درخواست شاه عباس دوم، سمت امامت جمعه مسجد جامع عباسی و منصب شیخ‌الاسلامی را پذیرفت و ایشان در چنین دوره‌ای می‌زیسته و آثار گران‌قدری از خود به یادگار گذاشته است. در آرا بسیاری از فقهای شیعه معیار تمییز انواع حکومت اعم از مطلوب/نامطلوب، فاضله/ناقصه، مصالح عمومی (البته با تعابیر خاص) است. محقق سبزواری میزان رعایت مصالح عمومی را معیار عملکرد فقها و ملاکی برای نزدیکی یا دوری آن‌ها از حکام و سلاطین می‌داند (سلیمانی، ۱۳۸۹: ۱۰۳).

محقق سبزواری پادشاهی «پادشاهان عادل» را در کنار «ولایت پیامبر (ص)، ائمه (ع)» از اقسام «سلطنت فاضله» دانسته است. وی با یاد کردن دو نوع «پادشاهی مطلق و ملک علی الاطلاق» و «پادشاهی عادل» و تأکید بر پادشاهی مطلق پیغمبران و ائمه (ع)، با بهره‌گیری از «اصل غیبت امام» و نبود پادشاهی مطلق، به اثبات ضرورت و مشروعیت پادشاهی عادل می‌پردازد و می‌گوید که هیچ زمان از وجود «امام اصلی» خالی نیست، لیکن در بعضی زمان‌ها به جهت حکمت‌ها و مصلحت‌ها، «امام اصلی» از نظر غایب است ... اگر «پادشاهی عادل» مدبر که کدخدایی و ریاست این جهان نماید در میان خلق نباشد، کار این جهان به فساد و اختلال انجامد و منتظم نشود و هیچ کس را تعیش ممکن نباشد، بلکه لابد و ناچار ضرور است خلق را از پادشاهی که به عدل زندگانی نماید و پیروی سیرت و سنت «امام اصلی» کند (نیک‌زاد و رفعی، ۱۳۹۴: ۱۲۸). از این رو، از نظر سبزواری سلطنت و پادشاهی بر دو قسم: سلطنت فاضله و سلطنت ناقصه یا تغلبی است.

انواع حکومت از نظر محقق سبزواری	
حکومت فاضله	بنای امور ملک بر اصول شرع، عقل و اعتدال استوار است
حکومت ناقصه یا سلطنت تغلبی	به جور و تعدی و تبعیت از هوای نفس، مردم را تحت بندگی خویش درمی‌آورند

منبع: (محمدی فشارکی و صالحیان، ۱۳۹۲: ۲۱۰)

سلطنت فاضله^۱

سلطنتی است که در آن بنای سیر و اطوار ملک بر قواعد عقل^۲ و مناهج شرع^۳ بوده، از سلوک منهج توسط و اعتدال، که موافق میزان عدل است، قدم بیرون نگذارند. سلطنت فاضله در نگاه سبزواری، هم باید عقلانی و عقلایی باشد و هم دینی و شرعی؛ بنابراین مراد ایشان از سلطنت فاضله دولتی است دینی و عقلی و اگر به ابتدای گفته ایشان (بنای سیر و اطوار ملک) توجه کنیم، می‌توانیم بر این نکته تأکید کنیم که قواعد عقل و مناهج شرع، باید در تمامی ساختار و گستره دولت حاکم باشد، ضمن این که لازم است چنین دولتی در جهت اعتدال^۴ سیر کند: از این رو سبزواری برای طالب پادشاهی فاضله نیز ویژگی‌های ذیل را برمی‌شمرد:

۱- بلندهمت ۲- متانت رأی ۳- عزم قوم تمام که آن را عزم الرجال و عزم الملوک گویند ۴- صبر بر مقاسات شدائد و وقوع احوال و نزول حوادث و عوارض ۵- یسار و وفور اموال ۶- لشکریان منتظم موافق یکدل جانفشان ۷- نسب عالی. البته به نظر سبزواری این شرط ضروری نیست، لکن از اولویت‌هاست.

به نظر سبزواری از میان ویژگی‌های مذکور، چهار مورد علو همت، رأی صحیح، عزیمت تمام و صبر نیکو مهم‌تر از بقیه‌اند و به عبارتی موارد دیگر را نیز در خوددارند. سبزواری این چهاراصل را «قواعد بنای ملک» خوانده است.

سلطنت فاضله به دنبال تأمین و بسط خیرات عامه^۵ است. خیرات عامه عبارت‌اند از: «امن بودن و سکون و آرام و مودت و دوستی با یکدیگر و عدل و عفاف و لطف و احسان و وفا و امثال آن». تصور سبزواری از سلطنت فاضله این است که یک نفر در رأس نظام سیاسی قرار می‌گیرد، منتها امور را بر مبنای عقل و شرع و عدل هدایت می‌کند. با توجه به

^۱ Emotional reason

^۲ The rules of reason

^۳ Religious manahi

^۴ Moderation

^۵ Good charity

این نکته، در بحث وظایف سلطنت فاضله نیز سبزواری اموری را مطرح کرده که تصدی تمام آن‌ها بر عهده شخص حاکم است، که البته با یاری گرفتن از دیگران و به‌ویژه تشکیل سازمان‌های اداری انجام می‌دهد.

در نظام سیاسی موردنظر سبزواری، حکیم مجتهد رهبری سیاسی و دینی را بر عهده دارد. البته در این زمینه ابهامی در اندیشه سیاسی سبزواری به نظر می‌رسد: ایشان با اینکه حکیم را بالاتر از مجتهد قرار داده، اما در مسئله اطاعت، معتقد به وجوب اطاعت از مجتهد است و نه حکیم^۱. در رفع این ابهام می‌توان گفت چون در مقام عمل، سبزواری خود هم حکیم بوده و هم مجتهد و او مجتهد را به گونه‌ای تعریف کرده که علی‌القاعده حکیم نیز خواهد بود، همچنین بنا به ملاحظه اوضاع زمان که فیلسوفان یا به تعبیر سبزواری حکیمان در محنت و عسرت به سر می‌بردند، از این‌رو تلاشی در شفاف کردن این مسئله نکرده است.

طبقه سوم علمای دینی، یعنی مفسران و محدثان و فقیهان، زیر نظر مجتهدان به انجام امور دینی و مذهبی می‌پردازند. سبزواری شاه را موظف کرده امور اجرایی و معیشتی این گروه از علما را سامان‌دهی کرده و هر کس را بنا به شرایط و وظایفش در جای خود نصب کند.

با ترقی جایگاه علماء و فقها در ساختار حکومت صفویه و دور شدن این حکومت از اندیشه‌های صوفیانه ابتدایی و در کنار ساختار اداری فوق‌الذکر، تلاش‌های نظری برای رشد فضائل اخلاقی و دور از منهیات هم در دستور کار قرار گرفت که یکی از مهم‌ترین آن‌ها تلاش برای تبیین و تحقق فریضه امر به معروف و نهی از منکر بود. محقق کرکی در کتاب جامع المقاصد به این بحث پرداخت و به وجوب عینی امر به معروف و نهی از منکر عقیده داشت و اگرچه معروف را به دو قسم واجب و مستحب تقسیم می‌کرد، اما این تقسیم‌بندی را در نهی از منکر نمی‌پذیرفت زیرا منکر ظهور در حرام دارد. محقق

^۱ Wise

سبزواری در روضه الانوار همین بحث را طرح می‌نماید و با طرح ادله‌ای می‌کوشد ساختار سیاسی را متولی امر به معروف و نهی از منکر معرفی نماید. در عین حال بر احیای مناصبی چون محتسب در راستای منع منهیات تأکیدی ویژه می‌نماید (رستمی و قنواتی، ۱۳۹۵: ۳). شاه در صورتی حاکم عادل به حساب می‌آید که عملکرد عادلانه داشته باشد. عملکرد عادلانه شاخصه‌هایی دارد، مهم‌ترین این شاخص‌ها عبارت‌اند از: زندگی به عدل، پیروی از سنت و سیرت امام اصل، کوشش در جهت رفع شر ظالمان، نصب هر کس در جایی که استحقاق و شایستگی دارد، حفظ رعایا و زیردستان، ترویج دین و مذهب، دفع اهل باطل و بدعت و تلبیس، قطع طمع از اموال رعایا، امر به معروف و نهی از منکر، کوشش در تأمین امنیت راه‌ها و ...

به نظر می‌رسد هدف اصلی سبزواری ارائه راه‌کاری به منظور توجیه حکومت مستقر زمان، یعنی حکومت صفویه است؛ زیرا که وی نیز، این حکومت را، حکومتی جایز دانسته و توضیح می‌دهد که «به حسب حکمت‌ها و مصلحت‌ها، چون این زمان که حضرت صاحب‌الزمان و خلیفه الرحمن [...] چون آفتاب، در حجاب سحاب پنهان است، اگر پادشاهی عادل مدبر که کدخدایی و ریاست این جهان را نماید، در میان خلق نباشد، کار این جهان به فساد و اختلال انجامد [...]، بلکه لابد و ناچار، ضرور است خلق را، از پادشاهی که به عدل زندگانی نماید و پیروی سیرت و سنت امام اصلی کند و در دفع شر ظالمان بکوشد» (فیضی سخا، ۱۳۹۸: ۱۰۶).

درواقع، سبزواری، با ارائه این توجیحات و بر پایه این نگرش، در صدد است علاوه بر بیان حکمت و تدبیر الهی در وجود پادشاهان و فوایدی که بر آن مترتب است، حکومت صفوی را مصداق حکومت عادل تحقق یافته در عصر غیبت امام اصلی و جانشین حکومت ائمه شیعه معرفی نماید و از این طریق، گونه‌ای مشروعیت برای این حکومت شیعه‌مذهب فراهم آورد (همان، ۱۰۷-۱۰۶).

سلطنت ناقصه (تغلبی)^۱

سبزواری از سلطنت ناقصه به تفصیل سخن نگفته است. به نظر سبزواری سلطنت و حکومت بر دو نوع است: ۱- فاضله ۲- ناقصه.

سلطنت ناقصه همان سلطنت تغلبی است. در این نوع حکومت‌ها منافع شخص پادشاه و هیئت حاکمه، اصل است و در جامعه شرور بسط و گسترش می‌یابد. با توجه به این که در اندیشه سیاسی سبزواری حکومت استبدادی و تغلبی هیچ جایگاهی ندارد (لک زایی، ۱۳۸۰: ۶۱). در نظر وی دولت‌ها هر چه از ویژگی‌ها، اوصاف و وظایف سلطنت فاضله دورافتاده باشند، به همان نسبت ناقصه خواهند بود. مهم‌ترین ویژگی سلطنت ناقصه این است که هیئت حاکمه مردم را بنده خویش قرار می‌دهند و به این ترتیب هیچ‌گونه حقی برای آنان قائل نیستند. نتیجه طبیعی حکمرانی متغلبانه و استبدادی این است که این دولت‌ها پایدار نخواهند ماند و به زودی از بین خواهد رفت.

پادشاه سلطنت تغلبی یا ناقصه دارای ویژگی‌های زیر است: ۱- در انجام امور به ظلم و ستم متوسل شود ۲- رعایا را به چشم بندگان خود می‌نگرد ۳- کشور را از شرور عامه پر می‌کند ۴- بنده‌ی شهوت می‌باشد ۵- از احکام عقل و شرع اطاعت نمی‌نماید. سبزواری در تفسیر شرور عامه می‌گوید: مراد به شرور عامه، خوف بود و اضطراب و تنازع و خصومت و جدال و جور و حرص و اسراف و عنف و غدر و خیانت و ناراستی و مسخرگی و بی‌حیایی و غیبت و امثال آن.

اندیشه سیاسی محقق سبزواری

دربارهٔ نحله و یا گرایش اندیشه سیاسی سبزواری با توجه به نوع نگارش کتاب روضه الانوار، چند دیدگاه مطرح شده است. برای نمونه برخی او را جزء فقیهان سیاسی و برخی دیگر جزء سیاست‌نامه نویسان قلمداد کرده‌اند و یا از سوی مؤلف کتاب «فلسفه

^۱ Doubtful reign Bastard

سیاست در تمدن اسلامی» بخش‌هایی از کتاب او را جزء نحلّه فلسفه تاریخ همانند نحلّه ابن خلدون می‌داند و بخش‌های دیگری از این اثر را جزء فقه سیاسی به شمار می‌آورد (اخوان کاظمی، ۱۳۸۵: ۱۵۴). اندیشه‌های سیاسی خاستگاه و زیربنای رفتارها، کردارها و گفتارهای سیاسی بشمار می‌رود. دسته‌بندی اندیشه‌های سیاسی در اسلام از الگوی واحدی برخوردار نیست و هر یک از اندیشمندان به تناسب گرایش‌ها و شرایط محیطی خویش به گونه‌ای خاصی این اندیشه‌ها را تقسیم‌بندی کرده‌اند. در مجموع می‌توان یک طبقه‌بندی معطوف به هدف و غایت را درباره متون سیاسی اسلام ارائه کرد تا آثار سیاسی از هر مذهب و فرقه‌ای را بتوان در چارچوب آن تبیین و تعریف نمود.

۱- اندیشه‌های سیاسی انقلابی: که درصدد تغییر دادن اوضاع هستند.

۲- اندیشه‌های سیاسی اصلاحی: اندیشه‌هایی که از وضع موجود ناراضی هستند و برای رسیدن به وضع مطلوب ارائه طریق می‌کنند و همگی خواستار انجام اصلاحاتی در وضعیت سیاسی مملکت هستند. باید توجه داشت که اندیشه سیاسی محقق سبزواری در شمار دسته دوم یعنی اندیشه‌های سیاسی اصلاحی تعلق دارد (خوانساری، ۱۳۸۲: ۶۸).

در آثار مختلف محقق سبزواری کم‌وبیش به وظایف حاکم اسلامی و پادشاه اشاره شده است. یکی از مهم‌ترین وظایف حاکم که در بخش پیشین بدان اشاره رفت سپردن مسئولیت‌ها و امانت‌ها به اهل آن یعنی انسان‌های شایسته و امین و توانمند است. تخصص‌گرایی و داشتن تجربه نیز از شاخصه‌های این شایسته‌سالاری است. مشورت کردن با صاحب‌نظران و دلسوزان امری ضروری است که ریشه در مبانی اسلامی دارد و از وظایف حاکم بشمار می‌رود. نظارت مستمر و اشراف بر عملکرد وزیران و مسئولان در سطوح مختلف از دیگر وظایف حاکم اسلامی و دیگر مسئولان کشوری است، اعطای اختیار و استقلال به مدیران توسط حاکم لازمه موفقیت مدیران است، تشویق و تنبیه بجا و به‌موقع و به‌اندازه به فراخور هر یک از کارکنان ضرورتی انکارناپذیر است، از بین بردن حسد در بین مدیران و دشمن و کدورت نسبت به یکدیگر از وظایف حاکم بشمار می‌رود

تا امور مملکت به خوبی ساماندهی و اداره شود. اعتدال در هنگام خشم و غضب و نیز هنگام خشنودی و رضایت باید در روحیه و رفتار حاکم مشهود و دائمی باشد. علاوه بر این تحقیق و تفحص درباره اخبار و گزارش های مثبت و منفی لازم است تا تصمیمات صحیح اتخاذ گردد (جمعی از پژوهشگران حوزه علمیه قم، ۱۳۸۵: ۳۷ و ولایتی، ۱۳۷۴: ۸۸).

قانون‌مداری و تبعیت از قانون در تمامی مراحل زندگی سیاسی و اجتماعی امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. از نگاه سبزواری تدبیر اجتماع سیاسی نیازمند صاحب‌شریعت است. صاحب‌شریعت همان پیغمبری است که از جانب خدا وحی به او می‌رسد؛ بنابراین تفسیر سبزواری از دین و نبوت و ارسال رسولان تفسیری کاملاً سیاسی است. به نظر سبزواری وظیفه پیامبر این است که احکام طاعات و عبادات، معاملات، نکاح و سایر احکامی را که در شرع مقرر شده، به خلق برساند تا حقوق هر یک معلوم شود که چیست و حد هر یک چیست تا مردم چون به حقوق و حدود خود قائل شوند و عمل کنند، کار عالم منتظم شود و فساد و فتنه مرتفع شود و هر یک در رفاه بتوانند زندگی کنند. این قانون، قانون عظمای شریعت نام دارد و مجری این قانون، حاکم عادل است (سبزواری، ۱۳۸۰: ۱۳).

محقق سبزواری حکومت را در اصل حق پیامبر اسلام (ص) و پس از آن حضرت حق ائمه هدی می‌داند. ایشان در عصر غیبت حکومت را حق فقهای جامع‌الشرایط می‌داند که دارای شرایط زیر باشند: به عدل زندگی نمایند، پیروی سیرت و سنت امام اصل کنند، در دفع ظالمان بکوشد، هر کس را در مرتبه استحقاق خود نگاه دارد، حفظ رعایا و زیردستان که امانات الهی‌اند بکند، مؤمنان و شیعیان را از شر طغیان و استیلا کفار و مخالفان دین محافظت نماید، ترویج شعار و آئین اسلام و مذهب شیعه بنماید، اهل علم و تقوی و دین را تقویت کند، اهل باطل و بدعت و تلبیس را دفع کند، طمع در اموال رعایا نکند، رعایا و اموال آن‌ها را ابزار فسق و فجور و لهو و لعب خود نکند، امر به معروف و نهی از منکر بجا

آورد، در امنیت راه‌های کشور بکوشد، سرحدات و مرزهای کشور را به مردم کاردان حفظ نماید (سبزواری، کفایه الاحکام، ۱۷).

در اندیشه سیاسی محقق سبزواری حکومت کردن حق فقهای شیعه است و مشروعیت آن به واسطه شریعت^۱ و اتصال به اهل بیت (ع) است. از این رو هر چند با دربار شاهان صفوی همکاری می‌کرد لکن دائماً آن‌ها را دعوت به توبه و ترک گناهان کبیره و صغیره می‌کرده و بخشی از آثار خویش را به نصیحت پادشاه و درباریان اختصاص داده است. در کتاب ارزشمند روضه الانوار رابطه دین و دولت به خوبی تبیین گردیده و تنها فقیه عادل امین جامع‌الشرایط را شایسته حکومت می‌داند که از سوی ائمه (ع) در زمان غیبت در تمام امور نیابت پذیر، نیابت دارد. وی در این زمینه به روایتی از معصوم (ع) استناد می‌کند.

محقق سبزواری در آثار مختلف خویش سیاست و حکومت را در قامت کلام اسلامی و فقه سیاسی اسلام به روشنی برجسته می‌سازد. در اندیشه سیاسی وی، فقیه جامع‌الشرایط در رأس حکومت و عامل مشروعیت و هدایت نظام سیاسی است که از آن به حکیم مجتهد (مجتهد حکیم) تعبیر کرده است. پس از او شاه صفوی قرار دارد که به تأیید فقها حکومت می‌کند و در چارچوب احکام شریعت به اداره جامعه و حل و فصل امور مردم می‌پردازد. پس از شاه سمت وزیر اعظم و پس از او سایر ارکان حکومت قرار دارد. سبزواری تلاش می‌کند تا اصلاحاتی در حکومت صفویه ایجاد کند تا بدین طریق از انحطاط و زوال این دولت که تلاش می‌کند در چارچوب شریعت و فقاہت کشور را اداره نماید، پیشگیری و جلوگیری شود. بر طبق دیدگاه سبزواری مهم‌ترین غایت و نهایی که حکومت‌ها، دولت‌ها، جوامع و به‌طور کلی نهایت منزلگاه هدایت انسان تلقی می‌شود ظهور حضرت ولی عصر (عج) و گسترش عدالت و عدل پروری در جامعه و جهان است؛ و این از نظر سبزواری غایت تاریخی تلقی می‌گردد که تاریخ به سوی ظهور حکومت آن حضرت در حرکت است (نجف لک زایی و باقریان، ۱۳۸۷: ۳۰).

¹ Shariah

نتیجه‌گیری

در طول تاریخ ایران، روحانیان یکی از نیروهای مهم اجتماعی در عرصه سیاسی ایران و برخوردار از شأن حقوق و مصونیت بوده‌اند. این طبقه مورد توجه افرادی بودند که بر مسند قدرت تکیه داشتند به‌ویژه در نظام‌های سیاسی از قدرت زیادی برخوردار بوده‌اند؛ بنابراین، دستگاه حاکم نیز همواره در صدد برقراری روابط و مناسبات با این گروه بانفوذ بوده است؛ زیرا روحانیان به‌واسطه داشتشان و مشروعیت بالا در بین عموم مردم می‌توانستند به دستگاه سیاسی مشروعیت ببخشند و به‌این ترتیب قدرت آنان را در جامعه افزایش دهند. در ایران عصر صفوی، سلاطین این سلسله که تشیع را مذهب رسمی کشور اعلام کردند، از عالمان و فقیهان شیعه سرزمین‌های مختلف برای تبیین و تعلیم تشیع در ایران دعوت کرده و در دوره‌های مختلف بر جایگاه برجسته آنان در اداره امور تأکید نمودند. ولی به‌طور کلی رابطه علما با دستگاه سلطنت در دوره صفوی بسیار نزدیک بوده است.

داعیه‌های سیاسی و اجتماعی مذهب شیعه و از نظر تاریخی موقعیت ممتاز روحانیان شیعه به‌عنوان یکی از نیروهای اصلی سیاسی، سبب شد تا با ظهور دولت شیعی مذهب صفویه، بخشی از این روحانیون جذب دربار صفوی شوند وعده‌ای دیگر که بنا به دلایلی وارد دستگاه سیاسی نشده بودند، با کناره‌گیری از حکومت، مخالفت خود را نشان دادند. شاه‌عباس اول اموری را که پیش‌تر به دست روحانیان اداره می‌شد، شخصاً در دست گرفت. در این دوره نفوذ روحانیان کاهش یافت. البته، مناصب و شغل‌های روحانی در دربار کماکان وجود داشت و خود او نیز در انجام مراسم مذهبی مصر بود. در این دوره نهادهای مذهبی تابع نهادهای سیاسی بودند. از قدرت اجرایی صدر نیز کاسته شده و شاه‌عباس در نهایت قدرت اجرایی و رتبه معنوی، مقام صدر را به خود اختصاص داد.

به‌طور کلی یکی از اهداف و روش‌های محقق سبزواری آسیب‌شناسی حکومت و دستگاه سلطنت است؛ زیرا در دوره شاه‌عباس اول، حکومت صفوی توانست به اوج قدرت خود رسانیده، ساختار سیاسی سیطره خود را بر تمام ارکان جامعه حتی نهادهای مذهبی بگستراند. به‌گونه‌ای که ساختار سیاسی و در رأس آن شخص شاه، به‌عنوان قدرت فائقه بر همه نیروهای سیاسی و صاحب‌منصبان مذهبی نظارت و کنترل داشت. علمای این عصر همزیستی مسالمت‌آمیز با شاه صفوی و حکومت و مذهب تشیع را پذیرفته بودند و چارچوبی که شاه‌عباس اول برای مناسبات علما و حکومت بنیان نهاد و آنان را به‌عنوان نیروهایی در زیر ساختار حکومت صفوی و وابسته به آن قرارداد، در دوره جانشینان وی نیز تداوم یافت و علمای پس از شاه‌عباس اول نیز به همکاری با جانشینان وی ادامه دادند و حتی به خدمت مستقیم در ساختار دیوانی صفویان پرداختند. اندیشه اصلاحی سبزواری، هیچ‌گاه به سلطنت پادشاه صفوی مشروعیت نداده، بلکه همان‌طور که در جای خود تبیین شد، از افق و منظر یک عالم مجتهد به شاه صفوی پیشنهاد می‌دهد که اصلاح‌های موردنظر او را انجام دهد، چراکه ایشان معتقد است «خلیفه و مقتدا و امام و متبع باید که اعلم باشد» و «بر همه کس واجب است که از مجتهد زنده تقلید نماید»؛ بنابراین، وی خود را «اعلم» و همان مجتهد زنده‌ای می‌داند که شاه‌عباس دوم باید به پیروی و تقلید از او امور مملکت را اداره کند. اگرچه حاکمان صفوی به پندها و هشدارهای سبزواری عمل نکردند و به تدریج زوال و انقراض خود را رقم زدند.

منابع

- قمشاهی، الهی (۱۳۸۰)، قرآن مجید، قم، انتشارات فاطمه الزهراء.
- آقاجری، سید هاشم (۱۳۷۸)، کنش دین و دولت در عصر صفوی، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- افوخته ای نظنزی، محمود بن هدایت (۱۳۷۳)، نقاوه الآثار فی ذکر اخبار، به اهتمام احسان اشراقی، تهران: علمی و فرهنگی.
- اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۵)، امنیت و راه کارهای تأمین آن در اندیشه محقق سبزواری، پژوهشنامه علوم سیاسی، شماره ۴، صص ۱۶۵-۱۴۴.
- پارسا دوست، منوچهر (۱۳۸۸)، شاه عباس اول، ج ۱، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- تاجبخش، احمد (۱۳۴۰)، ایران در زمان صفویه، تبریز: کتاب فروشی چهر.
- تبریزی، محمدعلی (۱۳۷۴)، ریحانه الادب، تهران: خیام، ج ۵، چاپ چهارم.
- ترکمان، اسکندر بیگ (۱۳۸۲)، تاریخ عالم آرای عباسی، ج ۲، مصحح: ایرج افشار، تهران: امیر کبیر.
- جعفریان، رسول (۱۳۷۹)، صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست، جلد ۱ تا ۳، تهران: پژوهشکده دانشگاه تهران.
- جعفری، علی اکبر؛ فروغی ابری، اصغر؛ شانهای، محسن (۱۳۹۷)، بررسی مالیات و تأثیر آن بر زندگی روستاییان در دوره صفویه، مجله پژوهش های تاریخی ایران و اسلام شماره ۲۲ بهار و تابستان ۱۳۹۷، صص ۲۷۲-۲۵۶.
- جمعی از پژوهشگران حوزه علمیه قم، (۱۳۸۵)، گلشن ابرار، جلد پنجم، قم: نشر نورالسجاد.
- حسینی استرآبادی، سید حسین بن مرتضی (۱۳۶۶)، از شیخ صفی تا شاه صفی، به اهتمام احسان اشراقی، تهران: انتشارات علمی.

- خوانساری، سید محمدباقر (۱۳۸۲)، روضات الجنات، تحقیق و شرح: سید محمدعلی روضاتی، اصفهان و تهران: بی‌نا.
- دانشگاه کمبریج (۱۳۸۰)، تاریخ ایران دوره صفوی، ترجمه‌ی: یعقوب آژند، تهران: انتشارات جامی.
- رستمی، فاطمه؛ قنواتی، مهدی (۱۳۹۵)، بررسی تطبیقی عملکرد شاهان صفویه در مقابله با منکرات، جستارهای تاریخی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی سال هفتم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۵، صص ۱۹-۱.
- سبزواری، محمدباقر (۱۳۸۰)، روضه الانوار عباسی، تصحیح چنگیز اردهایی، تهران: دفتر نشر میراث مکتوب.
- سبزواری، محمدباقر (۱۳۸۱)، روضه‌الانوار عباسی (مبانی اندیشه سیاسی و آیین مملکت‌داری)، به کوشش: نجف لک‌زایی، قم: بوستان کتاب.
- سبزواری، محمدباقر (بی‌تا)، کفایة الاحکام، بی‌جا، بی‌نا.
- سلیمانی، فاطمه (۱۳۸۹)، نسبت مصلحت و امنیت در فقه سیاسی شیعه، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال سیزدهم، شماره ۴، شماره مسلسل ۵۰، صص ۱۱۷-۸۷.
- صفت گل، منصور (۱۳۸۱)، ساختار نهاد و اندیشه دینی در ایران عصر صفوی، تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا.
- طباطبایی، سید جواد، (۱۳۸۰)، مفهوم ولایت مطلقه در اندیشه سیاسی سده‌های میانه، تهران، مؤسسه نگاه معاصر.
- فلسفی، نصرالله (۱۳۹۱)، زندگانی شاه عباس اول، ترجمه: فرید مرادی، جلد اول، تهران: انتشارات نگاه.
- فوران، جان (۱۳۸۶)، مقاومت شکننده، (تاریخ تحولات اجتماعی ایران)، ترجمه: احمد تدین، تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا.

- فیضی سخا، مهدی (۱۳۹۸)، محقق سبزواری و تأثیرپذیری وی از اندیشه‌های امام علی (ع) در امر حکومت و مؤلفه‌های آن در روضه الانوار عباسی، فصلنامه پژوهشنامه نهج البلاغه، سال ۷، شماره ۲۵، صص ۱۱۶-۱۰۱

- قمی، قاضی احمد بن شرف‌الدین الحسین الحسینی (۱۳۸۳): خلاصه التواریخ، ۲ جلد، مصحح احسان اشراقی، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.

- گودرزی، حسین (۱۳۸۷)، تکوین جامعه‌شناختی هویت ملی در ایران با تأکید بر دوره صفویه، تهران: انتشارات تمدن ایرانی.

- لک زایی، نجف (۱۳۸۰)، اندیشه سیاسی محقق سبزواری، قم: بوستان کتاب

- لک زایی، نجف؛ باقریان، زهره (۱۳۸۷)، نگرش تاریخی محقق سبزواری در کتاب روضه الانوار عباسی، فصلنامه تاریخ اسلام، سال دهم، شماره مسلسل ۳۷، صص ۳۴-

۷

- لک زایی، نجف (۱۳۹۶)، رابطه فرد و دولت در اندیشه سیاسی محقق سبزواری، قابل دسترس:

<http://wiki.fmaroof.ir/index.php>

رابطه فرد و دولت در اندیشه سیاسی محقق سبزواری

- محمدی فشارکی، محسن؛ صالحیان، طاهره (۱۳۹۲)، روضه الانوار عباسی، نظامنامه اخلاق حاکمان در عهد صفوی، پژوهشنامه ادبیات تعلیمی، سال پنجم، شماره ۱۹، صص ۲۳۲-۱۹۹

- نیک زاد، علی‌اکبر؛ رفیعی، امیر تیمور (۱۳۹۴)، مشروعیت نظم سلطانی در نگرش سیاست‌نامه نویسان شیعی عصر صفوی، شیعه پژوهی، سال اول، شماره ۴، پاییز ۱۳۹۴، صص ۱۲۴-۱۰۵

- ولایتی، علی‌اکبر (۱۳۷۴)، تاریخ روابط خارجی ایران در عهد شاه‌عباس اول صفوی، تهران: وزارت امور خارجه، موسسه چاپ و انتشارات